

Hamza al-Iṣfahānī as a Source on the Zoroastrian Story of Creation

Mohammad Abdi*

Touraj Daryaei**

Abstract

In the first part of Hamza al-Iṣfahānī's *Ta'riḫ sinī mulūk al-arḍ wa'l-anbiyā*, otherwise known as *Kitāb al-omam*, there is a chapter which narrates the Zoroastrian creation story, based on an unknown source. The purpose of this article is to identify the source / book for Hamza. This is done by comparing the content quoted by Hamza and that of the existing Pahlavi books. We conclude that only one of the surviving Pahlavi texts have been used, namely that of the *Bundahišn*. Therefore the study of *Bundahišn* is in a way the model for the unknown source in Hamza al-Iṣfahānī's bibliography.

Keywords: Bundahišn, Hamza al-Iṣfahānī, Islamic Historiography, Iranian national history, Ta'riḫ sinī mulūk al-arḍ wa'l-anbiyā, Zoroastrianism.

* Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author), s.m.abdi1365@gmail.com

** Professor of Ancient History, University of California, Irvine, U.S.A., tdaryaei@uci.edu

Date received: 18/11/2021, Date of acceptance: 2/3/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش

سید محمد عبدی*

تورج دریایی**

چکیده

در فصل آخر از باب یکم کتاب تاریخ حمزه اصفهانی با عنوان «سنی ملوک الارض و الانبیاء» یا «کتاب الامم»، روایت زردشتیان از خلقت جهان را از کتابی ناشناخته که به نام آن اشاره نکرده نقل کرده. هدف این مقاله تلاش در جهت یافتن یا نزدیک شدن به هویت آن کتاب است که از طریق مقایسه محتوایی نقل قول حمزه با کتب پهلوی موجود، به این نتیجه رسیده ایم که هیچکدام از آثار موجود نمی تواند کتاب مورد نظر باشد الا بندهش که احتمالاً بیرون از این سه فرض نیست: کتاب مورد نظر، یا همین نسخه موجود از بندهش بوده، یا دو کتاب جداگانه بوده اند که یکی مأخذ دیگری بوده، و یا عمده مطالبشان را از یک مأخذ مشترک نقل کرده اند. بنابر این مطالعه بندهش، می تواند در مأخذ شناسی حمزه اصفهانی، نماینده آن کتاب بی نام باشد.

کلیدواژه‌ها: بندهش، تاریخ ملی ایرانیان، تاریخ نگاری دوره اسلامی، جهان بینی زردشتی، حمزه اصفهانی، سنی ملوک الارض و الانبیاء

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،
s.m.abdi1365@gmail.com

** استاد تاریخ ایران و جهان باستان، دانشگاه کالیفرنیا، ارواین، ایالات متحده آمریکا،
tdaryae@uci.edu

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. بیان مسأله

کتاب تاریخ حمزه اصفهانی که عمدتاً با عنوان «کتاب الامم» و «سنی ملوک الارض و الانبیاء» نزد اهل تحقیق مشهور است^۱ از مآخذ معتبر و درخور اعتناست که با موضوع تاریخ عمومی جهان در ده باب ترتیب یافته و هر باب مشتمل بر چند فصل است. تاریخ اتمام کتابت آن بنا بر فصل پایانی، اواخر جمادی الآخر سنه ۳۵۰ هجری قمری است (اصفهانی، ۱۹۶۱: ۱۸۳). مطالب آن طبق مقدمه نویسنده مشتمل است بر:

باب الاول فی سیاقه تواریخ سنی ملوک الفرس، باب الثانی فی سیاقه تواریخ سنی ملوک الروم، باب الثالث فی سیاقه تواریخ سنی ملوک یونانیین، باب الرابع فی سیاقه تواریخ سنی ملوک القبط، باب الخامس فی سیاقه تواریخ سنی الأسرانیین، باب السادس فی سیاقه تواریخ لخم ملوک عرب العراق، باب السابع فی سیاقه التواریخ غسان ملوک عرب الشام، باب الثامن فی سیاقه تواریخ حمیر ملوک عرب الیمن، باب التاسع فی سیاقه تواریخ ملوک کنده، باب العاشر فی سیاقه تواریخ قریش ملوک عرب الاسلام. (همان: ۵)

و نیز محاسبه تطبیقی نوروز از سال یکم تا سیصد و پنجاه هجری به این قصد که مقارن با کدام روز و ماه گاهشماری قمری بوده است و در باب دهم به آن پرداخته. (همان: ۱۳۸-۱۴۴)

اهمیت این کتاب در مقایسه با دیگر تواریخ فارسی و عربی که در ازمنه متقاربه نوشته شده اند، از توجه مورخان عصور متقدمه تا محققان معاصر و ارجاعاتی که به مطالب آن داده اند معلوم است، اما عمده این توجه معطوف است به تدوین جدول شاهان ایران پیش از اسلام به همراه سالشمار دوران سلطنت آنها و فهرستی که از کتب مشهور به سیر یا تاریخ الملوک در باب تاریخ ایران باستان^۲ ارائه کرده و مدعی است مطالبش را درباره ایران از آنها نوشته. خالی از مبالغه است اگر مورد اخیر را در میان آثار فارسی و عربی، مهمترین سند برای مطالعه «خداینامه» و سنت تاریخ نگاری عهد ساسانی بدانیم. برای نمونه بنگرید به (بیرونی: ۱۱۴-۱۱۵، آنتیلا: ۵۰ به جلو و ۱۱۷-۱۲۱).

وی فصل پنجم از باب اول کتاب تاریخ خود را که «در بیان تاریخ سالهای پادشاهان ایران» (۱۹۶۱: ۵۰) است به «گفتار خدای نامه در باره آغاز آفرینش جهان» اختصاص داده و می گوید: «و هو فی حکایه جُمَل ما فی خدای نامه لم یحکها ابن المقفع و لا ابن الجهم»^۳. اما

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سید محمد عبدی و تورج دریایی) ۲۱۷

نکته درخورد توجه این است که مطالب این فصل را نه از خدای نامه بلکه از کتابی می آورد که مطالبش را مأخوذ از اوستا می داند: «قرأت فی کتاب نقل من کتابهم المسمی بالآبستا» (همان).

هدف این مقاله، تلاشی است در جهت نزدیک شدن به هویت و نام این کتاب.

۲. ضرورت پژوهش

نخست باید گفت، در بین تواریخ و حماسه های عربی و فارسی قدیم، نمونه ای را نمی توانیم یاد کنیم که به اندازه مطلب منقول از حمزه، با منابع پهلوی همخوانی داشته باشد. خاصه که خود حمزه تصریح کرده که این منبع به صورت کتاب بوده و شناخت آن، در موضوعات مهمی من جمله مسأله شفاهی یا کتبی بودن سنت تاریخ نگاری ایران پیش از اسلام اهمیت ویژه ای پیدا می کند.

برای تبیین اجمالی این فقره، از چند منبع مهم نمونه می آوریم، تا قیاس آن با مطلبی که حمزه نقل کرده، مؤید مدعای فوق باشد:

در تمام منابع فارسی و عربی که بررسی کرده ایم، وجود روایات التقاطی در رابطه با اخبار ایران باستان به چشم می خورد (درباره روایات التقاطی نک: عبدی و دریایی ۱۴۰۰) لکن ما صرفاً آن روایاتی را که به ادعای نویسندگانشان از ایرانیان و علمای زردشتی (مجوس) نقل کرده اند به صورت اجمالی و نقل به مضمون می آوریم. روایت طبری درباره کیومرث به نقل از ایرانیان (فرس) این است که کیومرث همان آدم بود و پسری به نام میشی داشت که با خواهر خودش میشانه ازدواج کرد و از ایشان سیامک و سیامی زاده شد و از این دو نیز افرواک... الخ. (۱۹۸۷: ۱۵۳/۱)، مقدسی در ذکر منبعش می گوید «زعم الاعاجم فی کتابها...» و آنچه نقل می کند این است که کیومرث از نخستین فرزندان آدم بود، و در نقلی دیگر می گوید «بعضی از ایشان می پندارند که میشی همان آدم و پسر کیومرث بود که از خون او رویید» (۱۸۹۹: ۳/ ۱۳۸، ۱۳۹). مسعودی در التنبیه و الاشراف کیومرث را با آدم ابولبشر یکی گرفته (۱۹۳۸: ۸۱) و در مروج الذهب علاوه بر این، روایتی دیگر نیز آورده مبنی بر این که در حد فاصل زمان آدم تا نوح، مردم به زبان سریانی سخن می گفتند و پادشاه نداشتند. کیومرث بزرگ ایشان بود که مردم به جهت رفع دشمنی و تعدی و نیز اصلاح امور از او خواستند تا شاه شود و اولین کسی بود که پادشاه شد و

تاجگذاری کرد. (۱۹۱۷: ۱۰۶-۱۰۷) و روایت فردوسی نیز از مقوله همان روایات غیر زردشتی است که اگرچه میان او با شخصیت‌های سامی مثل آدم، یافث و... نسبتی برقرار نکرده اما او را نخستین شاه معرفی کرده و نه نخستین انسان و روایت مشی و مشیانه نیز غایب است (۱۳۸۶: ۱/ ۵). در هیچ کدام از منابع به گاو نخستین و دیگر موضوعات مرتبط با روایت پیدایش جهان از نظر زردشتیان و ایرانیان باستان اشاره ای نشده.

دیگر این که، از امتیازات مهم کتاب حمزه، روش او در نوشتن تاریخ است که در نقل یا نقد مطالب گذشتگان، به ذکر دقیق مشخصات مرجعی که از آن نقل قول می کند می پردازد. برای نمونه در فصل نخست از باب اول کتاب، وقتی از «بومعشر منجم» نقل قول می کند، بعد از هر بند، مرتباً نام او را ذکر می کند یا با عبارت «قال» به او اشاره می کند تا خواننده بداند همچنان از قول اوست و نه نویسنده (همان: ۱۰-۱۲). و یا در آغاز فصل دوم می گوید «فی إعاده ذکر بعض ما مضی فی الفصل الأول من التاریخ مع شرح له آتی به موسی بن عیسی الکسروی فی کتابه...» و برای این که قول خودش از قول کسروی متمایز باشد، در آغاز نقل قول از کسروی می گوید «قال...» (همان: ۱۶) و زمانی که می خواهد از نقل قول کسروی فارغ شده و به قول خویش بازگردد می گوید «فهذه جمله ما سرده الکسروی» (همان: ۲۱). مثال دیگر از فصل دوم از باب دوم، در تعیین سالهای پادشاهی دقلطیانس و أغسطس می گوید «و ذکر ابومعشر فی کتاب الالوف سنی ملکین من ملوک... الخ» (همان: ۵۴).

مورد دیگر نیز باز به یکی از امتیازات کتاب حمزه باز می گردد یعنی انسجام مطالب و دقت در انتخاب منابع و آوردن نقل قول های دقیق است که به کمک آن می توان ثقات علوم مختلفه از جمله نجوم و تاریخ را از طریق کتاب او باز شناخت و بی نیاز از توضیح است که کتاب حمزه از این جهت، در مطالعات مربوط به تاریخ علمی از قبیل نجوم، تاریخ نگاری و ادبیات در شمار منابع ضروری قرار گیرد.

ایضاً مورد وثوق بودن کتاب حمزه را نیز از توجه و استنادات اکابر و مشاهیری از قبیل بیرونی (۱۸۷۸: ۱۰۵)، مقدمه قدیم شاهنامه (فردوسی ۱۳۸۴: برگ ۳ پشت) و شاید ابومنصور معمري و همکارانش در تدوین شاهنامه متشور^۶ یافت، همچنین استنادات صاحب کتاب مجمل التواریخ و قصص. خاصه این که در کتاب مجمل که می توان آن را جمع بندی و مروری اجمالی بر منابع تاریخی معتبر تا قرن ششم دانست، در جای جای کتاب کراراً به

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سید محمد عبدی و تورج دریایی) ۲۱۹

حمزه و تاریخ او اشاره شده و بخش هایی از کتابش را به ترجمه و نقل مستقیم مطالب کتاب حمزه اختصاص داده به گونه ای که از این دو کتاب برای تصحیح و تفسیر آن کتاب دیگر استفاده شده و می شود. برای نمونه، بهره گیری از متن مجمل در تصحیح یا ترجمه کتاب حمزه بنگرید به مقدمه شعار و میتوخ در (اصفهانی، ۱۳۴۶: ط، یه، یو) و در بهره گیری از کتاب حمزه برای تصحیح کتاب مجمل بنگرید به مقدمه بهار در (مجمل التواریخ، ۱۳۸۹: که).

بنا به آنچه توضیح داده شد، مأخذشناسی حمزه اصفهانی در نوشتن کتاب تاریخش، اهمیت خودش را معلوم داشته و اقدام در جهت شناسایی این کتاب بی نام، از دید ما در مطالعات مربوط به تاریخ ادبیات (در معنای وسیع آن)، تاریخ زردشت و زردشتیان، تاریخ ایران پیش از اسلام و وضعیت تاریخ نگاری در قرون نخستین اسلامی و اطلاع از کیفیت و نحوه مواجهه با مسائل تاریخی اعتقادی زردشتیان و ایرانیان باستان توسط مورخان اسلامی، شایسته توجه است.

۳. پیشینه تحقیق و خلاء های تحقیقاتی موجود

هنوز با گذشت بیش از یک سده از مقاله میتوخ (۱۹۴۲) در احوال و آثار حمزه اصفهانی، نخست باید به آن رجوع کرد و عمده پژوهش های بعدی نیز با ارجاعات مکرر به آن نوشته شده. با این حال، به مأخذ حمزه به صورت موردی و گه گاه پرداخته که کمکی در پرسش ما نمی کد (نک: مقدمه میتوخ در اصفهانی ۱۳۴۶، صفحات: یا تا یط). سایر مطالعاتی که در باره حمزه یا کتاب تاریخش انجام شده، چه آنهایی که به صورت اختصاصی به این موضوع پرداخته اند و چه به صورت ضمنی، عمدتاً به کتاب مورد نظر ما اشاره ای نکرده اند. به عنوان مثال روزنتال (Frantz Rosenthal) در بحث نجوم از ابومعشر به عنوان یکی از مأخذ حمزه یاد کرده (۱۹۶۸: ۱۱۱)، کریستین سن نیز صرفاً منابعی را که در سه فصل اول در ترجمه های خداینامه بوده در سه دسته تقسیم بندی کرده اما به موضوع مورد نظر ما نپرداخته (۱۳۶۸: ۹۹). سالاری بخشی از مقاله اش را به مأخذشناسی حمزه اختصاص داده اما به ذکر منابعی که هویت آنها معلوم بوده بسنده کرده و مورد مد نظر ما را مسکوت باقی گذاشته (۱۳۷۷). در چند مورد مطالعاتی نیز به این کتاب اشاره کرده اند. احمدوند جملات حمزه در باره این منبع را نقل قول کره و برای معرفی اوستا به عنوان

یکی از منابع حمزه به آن استناد کرده، اما در باره هویت خود این منبع اظهار نظری نکرده (۱۳۸۹). آنتیلا (Hameen Anttila) در ذیل مآخذ حمزه در کتاب خود از این منبع یاد کرده و در باره آن صرفاً می‌گوید «داستانی است که ادعا شده از اوستا روایت شده» و به مکتوب بودن این منبع نیز اشاره نکرده (۲۰۱۸: ۱۱۹). طبق بررسی‌های ما در منابعی که احتمال می‌دادیم به این موضوع پرداخته شده باشد، تنها رابین (Rubin) اظهار نظر کرده و طبق حدس او «روایتی خلاصه و مغلوط از چند فصل کتاب بندهش^۷» است (۲۰۰۸: ۴۰). در ادامه این موضوع را به صورت اختصاصی پی خواهیم گرفت و هدف ما برداشتن قدمی در پیشبرد این موضوع در مسیر کشف نام این کتاب است.

۴. روش پژوهش

عین عبارتی که حمزه درباره این کتاب به کار برده این است: «قرات فی کتاب نقل من کتابهم المسمی بالآبستا... الخ» (همان: ۵۰). چنانچه ملاحظه می‌شود هیچ اشاره‌ای ولو مختصر که در کشف و حدس نام کتاب به کار آید وجود ندارد الا مطالبی که از این کتاب نقل شده، ایضاً ادعای آن که مطالبش را از اوستا نقل کرده. بنابراین، روش ما مطالعه تطبیقی محتوای مطلب نقل قول شده، با منابع پهلوی است. به این منظور به عنوان موید و مکمل بحث برای تقویت نتیجه گیری نهایی، منبعی که با متن حمزه بیشترین تطبیق را داشته باشد را نیز با مهمترین منابع فارسی و عربی نوشته شده در شش قرن نخست-اعم از متون تاریخی یا حماسی - به صورت تطبیقی بررسی کرده ایم.

۵. بحث

با لحاظ کردن پژوهش تفضلی (۱۳۸۹) و چرتی (۱۳۹۵) و حدسی که رابین زده است، آنچه از منابع پهلوی از جهت اشتغال مطالب، می‌تواند موضوع بررسی ما در رابطه با مطالب نقل قول شده توسط حمزه اصفهانی قرار گیرد عبارت است از دینکرد، بندهش، گزیده‌های زادسپرم، روایت پهلوی و مینوی خرد. و بیرون از اشاره رابین، طبق مطالعه‌ای که ما در محتوای این منابع انجام داده ایم، کتاب بندهش علاوه بر کلیات، جزئیات در خور توجه مشترکی با کتاب مشارالیه داشت که در ادامه به بررسی تطبیقی این دو خواهیم پرداخت

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سید محمد عبدی و تورج دریایی) ۲۲۱

ضمن این که برای توضیح علت کنار گذاشتن گزینه های دیگر، تشابهات و اختلافات چهار منبع دیگر را نیز نشان خواهیم داد. اما پیش از پرداختن به این برابر خوانی، ارائه معرفی مختصر از محتوای بندهش ضروری است.

۶. درباره بندهش

اگرچه که از نظر حجم، بعد از دینکرد به عنوان دومین متن مفصل پهلوی شناخته می شود اما نه فقط در قیاس با منابع پهلوی، بلکه در قیاس با اوستای موجود حتی، باید گفت بندهش که در معنی آفرینش آغازین یا بنیادین است (بنگرید به: تفضلی ۱۳۸۹: ۱۴۱، فرنبرگ دادگی ۱۳۹۷: ۵، تاوادیا ۲۵۳۵: ۹۱) مفصل ترین روایت پیدایش جهان از آغاز، خلقت عالم مینوی، خلقت مادی، خلقت زمین و آنچه در آن است، خلقت گیاهان و حیوانات و انسان و پیدایش اولین زوج بشر (مشی و مشیانه) تا سرگذشت زندگی آنها و گسترش نسل بشر و تشعب اقوام است. اما علاوه بر این، تا انجام جهان مطلب را دنبال کرده و مطالب متعددی را نیز به صورت ضمنی در بخش بندی انواع گیاهان، جانوران، اقوام، گاهشماری ایرانی، مسائل نجومی، برخی احکام زردشتی و تبارشناسی شخصیت‌های برجسته ملی و مذهبی از خاندان شاهی و طبقه موبدان شامل می شود.

این حجم از اطلاعات موجود در کتاب، در مطالعه نگرش زردشتیان قرون اولیه اسلامی و احتمالاً دوران ساسانی - به جهان و تبیینشان از جنبه های مختلف حیات اجتماعی، بندهش را جزو منابع دست اول و مهم قرار می دهد. همچنین مقایسه آن با اوستا برای مخاطب شناسی تاریخی اوستا از نظر نحوه قرائت و تفسیر مطالب آن در عهد قدیم مهم است.

درباره تاریخ تألیف و هویت نویسنده این کتاب تردید و بحث است مخصوصاً این که در یکدست بودن مطالب کتاب اتفاق نظر وجود نداشته و امثال بهار و تفضلی معتقدند بخش هایی مثلاً پیشگفتار نخستین آن، در قرون بعد به مطالب کتاب علاوه شده اما آنچه مورد پذیرش قریب به اتفاق دانشمندان این حوزه است نام فرنبرگ دادگی به عنوان نویسنده یا بازنویس شاکله اصلی متن است که در قرن سوم هجری (نهم میلادی) می زیسته و معاصر یکی دیگر از نویسندگان متون پهلوی یعنی زادسپرم نویسنده کتاب گزیده های زادسپرم بوده است. (نک: تفضلی ۱۳۸۹: ۱۴۱، فرنبرگ دادگی ۱۳۹۷: ۵-۶ تاوادیا ۲۵۳۵: ۹۳).

۷. برابر خوانی مطلب منقول در کتاب حمزه با منابع دیگر

از آنجایی که در متون کهن، نقل قول مستقیم به روش امروزی آن غالباً مورد توقع اهل علم هم نبوده، به جهت جبران فقدان عبارات و جمله بندی های مرجعی که از آن نقل قول شده، مطالب منقول در کتاب حمزه را بر اساس موضوعات و نکات موجود در آن بخش کرده و با مطالب موجود در بندهش و دیگر منابعی که در این معنی همخوانی داشته باشند، مقایسه می کنیم. نقل قول ها از کتاب حمزه، بر اساس متن عربی (اصفهانى ۱۹۶۱) است که ترجمه فارسی آنها در بخش یادداشت های آخر مقاله آمده است و کتاب بندهش بجز موارد استثنا که لازم بوده به اصل متن یا ترجمه های دیگر ارجاع داده شود، ارجاع دارد به ترجمه بهار از بندهش (فرنبرگ دادگی ۱۳۹۷).

۱. حمزه: «قرأت فی کتاب نقل من کتابهم المسمى بالآبستا» (همان: ۵۰)

بندهش: «هان! زندآگاهی نخست درباره آفرینش آغازین هرمزد و...» (همان: ۳۳)

آگاهی (دستنویس ت د ۲: ۲). حرف نوشت: znd-'k'syh تلفظ: zand-āgāhīh

از دید ما زندآگاهی را خواه به عنوان صفت یا اسم مرکب بگیریم و خواه اضافه تخصیصی، معنی آن تفسیر یا گزارش آگاهی است که با توجه به توضیحات بهار، دور از حقیقت نیست که آگاهی صفت جانشین موصوف برای اوستا باشد:

زند از واژه اوستائی zantay به معنای شناخت، آمده است که در ادبیات پهلوی به معنای شرح و تفسیر است و نیز منتهای گزارده پهلوی از اوستا را زند می خوانند و گاه زند معنایی برابر اوستا دارد. بدین روی، زند آگاهی یعنی آگاهی بر دانش دینی اوستا و تفاسیر آن. اما در این احتمال هم که این کتاب زند آگاهی خوانده شده باشد، تردید است و به کار گرفتن این اصطلاح در آغاز سخن می تواند اشاره به منبع اصلی مطالب کتاب باشد نه نام آن (فرنبرگ دادگی ۱۳۹۷: ۵-۶)

۲. حمزه: «إن الله عز وجل قدر من عمر الدنيا، من مبتدأ المخلوقين الى يوم الفصل و زوال

البلاء، اثني عشر الف سنه» (همان: ۵۰)

بندهش: «چون از آغاز آفرینش که آفریدگان را آفرید تا به فرجام که اهریمن از کار

بیفتد، به اندازه دوازده هزار سال است، که کرانه مند(متناهی) است» (همان: ۳۶)

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سید محمد عبدی و تورج دریایی) ۲۲۳

پایان دنیای فانی و آغاز زندگی ابدی در سنت اسلامی عموماً با اصطلاح «قیامت» شناخته شده است ولی تعبیر دیگری نیز برای آن آمده من جمله «یوم الفصل» (قرآن کریم: ۲۱/۳۷؛ ۴۰/۴۴؛ ۱۳/۷۷؛ ۱۴، ۳۸؛ ۱۷/۳۸). همچنین بنگرید به (طوسی: ۴۸۹/۸). معادل تقریبی آن در متون زردشتی پهلوی فرَشگرد (frašgird) (در اوستا: frašō.keretay) است که بازسازی جهان کامل و بی نقص و خالی از آمیختگی خیر و شر رخ می دهد. (نک: اوستا ۱۳۸۹: ۱۰۲۱ و بهار ۱۳۸۱: ۴۱). لازم به توضیح است منظور حمزه، اشاره به پایان جهان است اما با اصطلاح اسلامی از آن یاد کرده کما این که به جای «هرمزد» از «الله» نام برده.

۳. حمزه: «فمکت العالم فی العلو من غیر آفه و لا عاهه ثلاثه آلاف سنه^۱» (همان)

بندهش: «سه هزار سال آفریدگان به مینوئی ایستادند، که بی اندیشه، بی حرکت و ناملموس بودند.» (همان: ۳۴)، همچنین «گوید به دین که سه هزار سال هستی مینوی بود که آفرینش بی اندیشه و بی جنبش و نابسودنی بود» (همان: ۱۵۵)

۴. حمزه: «ثم اهبط الی السفل فبقی عاریا من الآفه و العاهه مده ثلاثه آلاف سنه^{۱۱}» (همان)

بندهش: آفرینش مادی به تفصیل در صفحات ۳۹ تا ۵۰ (فصل دوم، سوم، چهارم) آمده و با توجه به فصل پنجم یعنی صفحه ۵۰ به بعد سه هزار ساله بودن دوران آفرینش مادی قابل استنباط است. همچنین «سه هزار سال کیومرث را با گاو هستی بی پتیاره (بی مهاجم و بدی) بود» (همان: ۱۵۵). علاوه بر بندهش، این موضوع در این منابع پهلوی نیز آمده: گزیده های زادسپرم (۱۳۶۶: ۳۵)، روایت پهلوی «سه هزارسال <آفرینش را> به حرکت در نیاورد» (۱۳۶۷: ۵۵)

۵. حمزه: «بعد سته آلاف سنه من عدم شوب الشر^{۱۲}» (همان)

بندهش: «با به سر رسیدن سه هزار سال^{۱۳}...» (همان: ۵۱). «شوب الشر» تعبیر عربی است که احتمالاً در اشاره به دوران آمیختگی (gumizišn) از آن استفاده کرده. توضیحات مرتبط با گمیزش در بند ۶ آمده است.

۶. «ثم اعترض آهرمن فیه فظهرت الآفات و التنازع و امتزج لشر بالخیر بعد سته الاف سنه

من عدم شوب الشر. ثم ابتداء الشوب من مبتدأ الألف السابع الامتزاجی^{۱۴}» (همان)

بندهش: روایت هجوم اهریمن و نزاع میان نیروهای هرمزدی و اهریمنی در فصل های پنجم تا نهم به تفصیل آمده (همان: ۵۱-۱۰۳). همچنین: «بعد از سه هزار سال مینوی و سه

هزار سال مادی) که روی هم شش هزار سال بود، چون هزاره خدائی به ترازو آمد، اهریمن در تاخت» (همان: ۱۵۵).

در گزیده های زادسپرم مشابه روایت بندهش است. (زادسپرم ۱۳۶۶: ۳۷). در فروردین یشت به یورش اهریمن بر ضد آفرینش نیک اشاره شده (بند ۷۷). نک پوردواود ۱۳۷۷: ۷۶/۲. در روایت پهلوی گفته بعد از سه هزار سال اهریمن یورش برد و فقط به مرگ کیومرث اشاره کرده (۱۳۶۷: ۵۵).

در جهان بینی زردشتی، عمر جهان از نظر اختلاط آفریده های هرمزد با اهریمن یا به تعبیر دیگر؛ آمیختگی خیر و شر به سه دوره بندهشن (پیدایش جهان تا پیش از حمله اهریمن)، گمیزشن (آمیختگی) و وزارشن (پایان نبرد به نفع هرمزد و آفریدگانش و پاکسازی جهان از اهریمن) تقسیم می شود. (نک: بویس ۱۳۹۵: ۵۰-۵۱). دوران آمیختگی دورانی است که اهریمن به جهان مخلوق هرمزد می تازد که در نتیجه، عالم روشنی یا هرمزدی با عالم تاریکی یا اهریمنی آمیخته شده و آفریدگان دو نیرو، درگیر نزاع می شوند. بر طبق این باور، حیات انسان تا زمان اکنون در زمان آمیختگی و دوران نزاع بوده است.

۷. حمزه: «فکان اول ما خلق الله من حیوان الدنيا رجلا و ثوراً اختراعاً من غیر امشاج من

الانثی^{۱۵}» (همان)

بندهش: ترتیب مخلوقات جهان مادی چه در مرحله مینوی و چه مادی در فصول بندهشن این گونه است: نخست آسمان، دوم آب، سوم زمین، چهارم گیاه، پنجم حیوان، ششم انسان. (همان: ۳۹-۴۱). لازم به توضیح است که در بندهش و سایر متون پهلوی، نخستین انسان، کیومرث و نخستین حیوان، گاو است. (همان: ۵۲، ۶۵-۶۶). این ترتیب در گزیده های زادسپرم نیز به همین شکل آمده (زادسپرم ۱۳۶۶: ۳۴).

۸. حمزه: «یسمی الرجل کهومرث^{۱۶}» (همان)

بندهش: در دستنویس مورد استفاده ما به دو شکل نوشته شده که غلی تفاوت حرف نوشت آنها، تلفظشان واحد است و بر اساس سیستم نیبرگ «gayōmard» و بر اساس سیستم مکنزی «gayōmart» آوانگاری می شود:

گایومارت | g'ywkmrt (دستنویس ت د ۲، ۲۵۳۷: ۲۱)

گایومارت | g'ywmrt (همان: ۴۳)

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سید محمد عبدی و تورج دریایی) ۲۲۵

با فرض این که حمزه، بر اساس متن پهلوی، مطالب خودش را نقل کرده (جلوتر در این باره توضیح داده ایم)، تشخیص این که آن چه او تلفظ می کرده یا برایش تلفظ می کرده اند؛ با روش مکنزی همخوانی بیشتری دارد یا نیبرگ، از این جمله میسر نیست، زیرا کیومرث از اعلام مشهور در تواریخ قرون ماضیه است که با چند ضبط آمده و این ضبطی که حمزه آورده نیز از جمله آنها است. بر این اساس معتقدیم به دلیل شهرت کیومرث، معادل رایج آن را در برابر ضبط پهلوی آورده و در این فقره تابع تلفظ پهلوی نبوده. (در رابطه با ضبط «کهومرث» از کیومرث در تواریخ عربی نک: بلعمی ۱۳۸۰: ۷۶، مجمل ۱۳۸۹: ۲۳)

۹. حمزه: «و الثور ایوداد»^{۱۷} (همان)

بندهش: بهار آن را «گاو یکتا آفریده» (۴۰)، عربان «گاو» (۱۰۲) و وست «ox=گاو» (۱۸۹۷): ۶) انکلساریا «the sole-created Gav = گاو یکتا آفریده» (۱۹۵۶: ۶۵) ترجمه کرده اند. اما در خود نسخه این گونه است:

حرف نوشت: TWR'y'wywd't. تلفظ آن بر اساس سیستم نیبرگ: gāv
i. ēvdād. تلفظ آن بر اساس سیستم مکنزی: gāv i ēk-dād. دو نکته لازم به توضیح است. نخست این که واژه گاو با هزوارش (ideogrammatic spelling) نوشته شده. (نک: مدخل gāv در فرهنگ مکنزی ۱۹۷۱). دیگر این که اگرچه روش مکنزی در تلفظ واژگان، عمدتاً جایگزین روش نیبرگ شده و مورد اتفاق علمای این حوزه است و ما نیز در خوانش رسائل پهلوی اساساً پیرو روش مکنزی هستیم، اما در این فقره، چنانچه ملاحظه می شود، روش نیبرگ است که با ضبط اعلام در کتاب حمزه همخوانی دارد و ازین جهت، اعلام را بر اساس روش نیبرگ حرف نویسی و آوانویسی کرده ایم.

قریب به یقین مأخذ حمزه در ضبط نام این گاو-بی واسطه یا باواسطه- از طریق مشاهده متن پهلوی بوده و نه ترجمه یا استماع آن، و این نکته فوق العاده مهم و درخور توجهی است.

۱۰. حمزه: «و معنی کهومرث حی ناطق میت^{۱۸} و لقبه کل شاه ای ملک الطین^{۱۹} فصار هذا

الرجل اصلاً للناس فی التناسل^{۲۰}» (همان).

ممکن است این بخش، اضافات حمزه باشد برای توضیح بیشتر درباره کیومرث، کما این که در منابع متعددی یافت می شود. برای نمونه نک: (بلعمی ۱۳۸۰: ۷۵)، (مجمل التواریخ ۱۳۸۹: ۲۱)، (ابن بلخی ۱۳۸۵: ۹)، (مسعودی ۱۹۳۸: ۷۵)

۱۱. حمزه: «وکان مده بقائه فی الدنيا ثلاثین سنه^{۲۱}» (همان)

بندهش: «(کیومرث) پس از آمدن پتیاره، سی سال زیست» (همان: ۵۳). همچنین «از آنجا که بر سپهر کیومرث پیدا بود، در تازش اهریمن، بر اثر نبرد اختران و اباختران، سی سال زیست» (همان: ۶۶) همچنین است در (زادسپرم ۱۳۶۶: ۳۹، ۴۰) و (روایت پهلوی ۱۳۶۷: ۵۵-۵۶).

این موضوع در دیگر منابع فارسی و عربی بدین صورت آمده: هزار سال عمر کرد(ابن بلخی ۱۳۸۵: ۹) و (تاریخ سیستان ۱۳۶۶: ۳)، «در باره عمر او اختلاف کرده اند و آن را هزار سال و کمتر نیز گفته اند» (مسعودی ۱۹۱۷: ۱۱۰)، «گویندهفتصد سال» (بلعمی ۱۳۸۰: ۸۶)، ابن واضح یعقوبی گفته هفتاد سال(۲۰۱۰: ۲۰۰/۱)، در این منابع عدد سی سال آمده: (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۱ / ۱)، (ثعالبی ۱۹۰۰: ۳)، (مقدسی ۱۸۹۹: ۱۳۸/۳) و مسعودی در التنبیه و الاشراف (۱۹۳۸: ۷۵)

۱۲. حمزه: «فلما خرجت من صلبه نطفه و غاضت فی الارض^{۲۲}» (همان)

بندهش: «به هنگام درگذشتن، تخمه اش به زمین رفت» (همان) (زادسپرم ۱۳۶۶: ۴۹-۵۰) (روایت پهلوی ۱۳۶۷: ۵۶)

۱۳. حمزه: «فقیث فی رحم الأرض اربعین سنه^{۲۳}» (همان)

بندهش: «چهل سال (آن تخمه) در زمین بود» (همان: ۸۱)، (زادسپرم ۱۳۶۶: ۴۹-۵۰)، (روایت پهلوی ۱۳۶۷: ۵۶)

۱۴. حمزه: «ثم نبت منها نبتان شبه ریباستین^{۲۴}» (همان)

بندهش: «با بسر رسیدن چهل سال، ریباس تنی یک ستون، پانزده برگ، مهلی و مهلیانه(مشی و مشیانه) از زمین رستند.» (همان) ایضا (روایت پهلوی ۱۳۶۷: ۵۶). در بلعمی به نقل از گروهی از عجم گفته «گیاه بودند. خدا دریشان روح عطا کرد» (۱۳۸۰: ۷۵)، در دادستان دینی به این صورت آمده «کیومرث هنگام مرگ تخمه می دهد و در حفاظت فرشتگان از آن مشی و مشیانه می رویند و حالت انسانی می گیرند، راه می افتند و به آمیزش و زایش می پردازند» (پرسش شصت و سوم)

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سید محمد عبدی و تورج دریایی) ۲۲۷

۱۵. حمزه: «ثم استحالا من جنس النبات الی جنس الانسان»^{۲۵} (همان)

بندهش: «سپس، هر دو از گیاه پیکری به مردم پیکری گشتند» (همان: ۸۱)

در روایت پهلوی آمده «بعد از نه ماه به پیکر آدمی بگشتند» (۱۳۶۷: ۵۶)

۱۶. حمزه: «احدهما ذکر و الآخر اثنی»^{۲۶} (همان)

علاوه بر بندهش، همه منابعی که به مشی و مشیانه اشاره کرده اند نر و ماده بودن و زوج بودن آن دو را ذکر کرده اند.

۱۷. حمزه: «فخرجا علی قامته واحده و صوره واحده»^{۲۷} (همان)

بندهش: «هم بالا و هم دیسه بودند... آن گونه هم بالا بودند که پیدا نبود کدام نر و کدام

ماده است» (همان)

۱۸. حمز: «اسمهما مشه و مشیانه»^{۲۸} (همان)

بندهش: در بندهش ایرانی ت د ۲ سه املا از این دو نام وجود دارد:

اَلْمَشِيَانِ مَشِيَانِ
حرف نوشت به ترتیب: 'm'shā', 'm'sh'n' تلفظ به ترتیب: mašā

mašān (دست نویس ت د ۲: ۷۰)

اَلْمَشِيَانِ مَشِيَانِ
حرف نوشت به ترتیب: 'm'sh'ng am'shy' تلفظ به ترتیب: mašānag

mašānag (همان: ۲۱۱)

اَلْمَشِيَانِ مَشِيَانِ
حرف نوشت: 'm'shyk' تلفظ: mašāng (همان: ۱۰۱)

اَلْمَشِيَانِ مَشِيَانِ
حرف نوشت: 'm'shy'nyy' تلفظ: mašyānē (همان: ۱۰۲)

۱۹. حمزه: «ثم تزوج مشه بمشیانه بعد خمسين سنه و ولد لهما»^{۲۹} (همان)

بندهش: «(به دلیل گناهی که مشی و مشیانه مرتکب شدند) چهل سال کامه هم آمیزی

شان نبود و اگرشان نیز هم آمیزی بود، آنگاه فرزندی شان نبود. با بسر رسیدن پنجاه سال، به

فرزندخواهی فراز اندیشیدند» (همان: ۸۲).

در دینکرد هفتم به فرزندآوری ایشان از طریق خویدوده^{۳۰} اشاره شده (۱۳۸۹: ۱۹۹) ایضاً

(روایت پهلوی ۱۳۶۷: ۵۶).

فرزندی آوری ایشان در طبری نیز به این صورت ذکر شده است:

مشی و میشان فرزندان جیومرت بودند. و ازدواج کردند و از آنها سیامک و سیامی زاده شد و از آنها افرواک و دیس و براست و اجرب/اجوب و اوراش پسران آن دو و افری و دذی و بری و اوراشی دختران آنها. از هفت اقلیم، اقلیم بابل و خشکی و دریاهایی که قابل دسترس است، همگی از افرواک سیامک و سیامی اند و مردمان آن شش اقلیم دیگر که به آنها دسترسی نیست از نسل دیگر فرزندان سیامک و سیامی. طبری- ایرانیانی که جیومرت را آدم ابولبشر می دانستند (۱۹۸۷: ۱/۱۵۳).

۲۰. حمزه: «فکان من لدن ان ولد لهما الی ان ملک اوشهنج فیشداد الدنیا ثلاث و تسعون سنه و سته اشهر»^{۳۱} (همان)

بندهش: «(مشی و مشیانه) نود و سه سال و شش ماه با هم زن و شوی بودند تا آن که هوشنگ به برنائی آمد» (همان: ۱۵۵)

جمع بندی آنچه آمد را در قالب جدول زیر می توان مشاهده کرد. توضیح علایم:
= روایت مطابقت دارد، ≠ روایت متفاوت است، ~ روایت تقریباً برابر است، - روایت

را ندارد

نقل قول حمزه	بندهش	گزیده ها	روایت پهلوی	دینکرد	دادستان دینی
۱	=	-	-	-	-
۲	=	-	-	-	-
۳	=	-	-	-	-
۴	=	=	~	-	-
۵	=	-	-	-	-
۶	=	=	-	-	-
۷	=	=	-	-	-
۸	=	=	=	=	-
۹	=	-	-	-	-
۱۰	-	-	-	-	-
۱۱	=	=	=	-	-

-	-	=	=	=	۱۲
-	-	=	=	=	۱۳
~	-	=	-	=	۱۴
-	-	~	-	=	۱۵
=	=	=	=	=	۱۶
-	-	-	-	=	۱۷
=	=	=	=	=	۱۸
-	~	~	-	=	۱۹
-	-	-	-	=	۲۰

۸. نتیجه‌گیری

بعد از چند قرن فاصله و با توجه به فرض مفقود شدن منابع متعددی از دوران گذشته که از وجود آنها حتی در حد نام آگاهی نداریم، اظهار نظر قطعی و پاسخ واضح و بلاشک به پرسش این پژوهش، به دور از روش علمی و منطقی است، اما در تقویت نظر رابین می توان گفت ارتباط معنا داری میان کتاب مشارالیه و بندهش وجود دارد و این را از مقایسه مطالب منقول حمزه از آن با محتوای کتب فارسی و عربی و پهلوی موجود می توان فهمید بویژه تطابق نام گاو «ایوداد» در فقره ۹ و عدد «نود و سه سال و شش ماه» در فقره ۲۰ که در هر دو یکی است، اما خلاف نظر رابین، به قطع نمی توانیم بگوییم همین کتابی که امروزه به نام بندهش در اختیار ماست عینا همان کتابی بوده که حمزه از آن استفاده کرده.

ناگفته نماند این عدم قطعیت مجالی برای این نمی تواند باشد که هر یک از منابع پهلوی موجود بجز بندهش می تواند آن کتاب باشد زیرا در قیاسی که انجام گرفت، میان خود منابع پهلوی بویژه برخی فصول گزیده های زادسپرم و بندهش که بیشترین اتفاق موضوع و نه اتفاق مضمون- را دارند اختلافاتی وجود دارد که می توان گفت، اگرچه سندی وجود ندارد که با تکیه بر آن و فارغ از تحلیل، بتوان هویت مأخذ حمزه را مشخص

کرد اما مطالب موجود در سایر منابع، مستندا بیانگر این هستند که هیچکدام از آنها به دلیل اختلاف بر بسامد و عدیده در مضامین، نمی توانند مأخذ حمزه بوده باشند.

اما نتیجه گیری ما بر اساس بررسی هایی که انجام دادیم و فقدان اسناد و شواهد کافی، احتمالا از این سه فرض خارج نیست: این مأخذ بی نام حمزه، یا خود بندهش بوده؛ یا یکی از این دو، مأخذ دیگری بوده و یا هر دو کتاب از مأخذ مشترکی بهره برده اند. فایده این نتیجه گیری این است که مطالعه بندهش را در پیشبرد مطالعات پژوهشگران در روش شناسی و مأخذشناسی مورخان قرون اولیه اسلامی، مشخصا حمزه اصفهانی از مسائل تاریخی، زبانی، فرهنگی و مذهبی ایران باستان و شریعت و جامعه زردشتی ناگزیر بلکه ضروری می دارد چنانچه توجه به این متن پهلوی را بیش از پیش در موضع توجه قرار می دهد.

اما نتیجه دیگر که از این پژوهش حاصل می شود راجعیت دارد به بخش دیگری از نظر رایین که می گوید روایتی خلاصه و مغلوط؛ که باید افزود خلاصه بودن آن نیاز به پژوهش نداشته و کیفیت نقل مطلب در کتاب حمزه، خود گواه و موید آن است اما ناهمخوانی ای میان مطالب بندهش و مطالبی که حمزه بنا بر اقتضای کارش به صورت کلی آورده، مشاهده نمی شود و نظر رایین در باره مغلوط بودن این روایت نسبت به بندهش، از دید ما ادعایی کلی، خالی از مذاقه و نهایتا مردود است.

پی نوشتها

۱. درباره اختلاف در نام این کتاب نک به مقدمه جعفر شعار و میتوخ در (اصفهانی، حمزه ۱۳۴۶: و، یه، یو)، (محفوظ ۱۹۶۳: ۸۵-۸۶)، (سالاری شادی ۱۳۷۷: ۲۲-۲۳)، (بیرونی ۱۸۷۸: ۱۰۵).
۲. محققان معاصر علی الاغلب از این فهرست به عنوان ترجمه های «خدای نامه» یاد می کنند که باید به دیده تردید یا احتیاط نگریسته شود.
۳. و این فصل ذکر مطالبی از خدای نامه است که ابن مقفع و ابن جهم نقل نکرده اند.
۴. (این مطالب را) در کتابی خواندم که از یکی از کتابهای ایشان (زردشتیان) به نام اوستا نقل شده.
۵. این بود آنچه کسروی گفته بود
۶. قزوینی مدعی است که عمده مطالب مقدمه قدیم شاهنامه از جمله بخشی که از کتاب حمزه در آن یاد شده در واقع متعلق به مقدمه شاهنامه مثنوی ابومنصوری است (ج ۲: ۵۲)

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سید محمد عبدی و تورج دریایی) ۲۳۱

7. "a highly compressed and inaccurate summary of a few chapters of the Iranian Bundahishn"

۸. از کتابی که از آبستا(اوستا) نقل شده خواندم
۹. خداوند عمر آفرینش را از آغاز تا پایان ۱۲ هزار سال مقدر کرد
۱۰. جهان سه هزار سال بی عیب و آفت در عالم بالا(جهان مینوی) بود.
۱۱. سپس به پایین(هستی مادی) آمد و سه هزار سال همچنان بی آفت و عیب بود
۱۲. با گذشت شش هزار سال از عمر آفرینش به دور از آمیختگی
۱۳. سه هزار سال دوم که می شود شش هزار سال.
۱۴. با ظهور اهریمن در جهان در هزاره هفتم، دوران آمیختگی و آفت ها و نزاع میان خوبی و بدی آغاز شد.
۱۵. نخستین مخلوقاتی که خدا از حیوانات آفرید مردی و گاوی بود که بدون آمیزش نر و ماده به وجود آمدند.
۱۶. نام مرد کهومرث بود
۱۷. و(نام) گاو ایوداد بود. در متن مصحح گوتوالد و سایر چاپها ضبط آن به این شکل است: ابوداد. اما آن را براساس تلفظ پهلوی تصحیح کردیم.
۱۸. کیومرث یعنی زنده گویای مرده
۱۹. لقب کیومرث گل شاه یعنی پادشاه گل بود
۲۰. کیومرث مبدأ تناسل بشر شد
۲۱. سی سال در دنیا زیست
۲۲. بعد از درگذشت، نطفه او در زمین فرو شد
۲۳. نطفه کیومرث چهل سال در زمین ماند
۲۴. از آن نطفه بعد چهل سال دوگیاه مانند ریاس روید
۲۵. سپس از جنس گیاه به جنس انسان تبدیل یافتند
۲۶. یکی نر و دیگری ماده
۲۷. در قامت و صورت یک سان
۲۸. نامشان مشه و مشیانه بود

۲۹. پس از پنجاه سال از ازدواج (آمیزش) مشه و مشیانه فرزندان زاده شدند
۳۰. خویدوده یعنی ازدواج با محارم. بنگرید به مقاله نگارنده (Daryae, 2013)
۳۱. از زمان فرزند آوری مشه و مشیانه تا پادشاهی هوشنگ پیشداد ۹۳ سال و ۶ ماه طول کشید.

کتابنامه

- ابن بلخی (۱۳۸۵) فارسنامه، تصحیح گای لیسترنج و رینولد الن نیکلسون، تهران: اساطیر.
- احمدوند، فاطمه. (۱۳۸۹). حمزه اصفهانی و تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء، نامه تاریخ پژوهان، سال ششم، شماره بیست و دوم، تابستان، صص ۴-۲۷.
- اصفهانی، حمزه. (۱۳۴۶). تاریخ پیامبران و شاهان. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ . (۱۹۶۱). سنی ملوک الارض و الانبیاء. بیروت: دار المکتبه الحیاه.
- اوستا. (۱۳۸۱). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه. تهران: مروارید.
- بلعمی، ابوعلی. (۱۳۷۷). تاریخنامه طبری. محمد روشن. تهران: سروش.
- _____ . (۱۳۸۰). تاریخ، محمد تقی بهار ملک الشعرا. تهران: زوار.
- بویس، مری. (۱۳۹۵). زردشتیان (باورها و آداب دینی آنها). ترجمه عسکر بهرامی. تهران: ققنوس.
- بهار، مهرداد. (۱۳۴۵). واژه‌نامه بندهش. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ . (۱۳۸۱). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: آگه.
- بیرونی، ابوالریحان. (1878) = al-Biruni
- پورداد، ابراهیم. (۱۳۷۷). یشت ها، ترجمه و تفسیر. تهران: اساطیر.
- تاریخ سیستان. (۱۳۶۶). تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران: کلاله خاور.
- تاوادی، ج. (۲۵۳۵). زبان و ادبیات پهلوی، ترجمه س، نجم آبادی. انتشارات دانشگاه تهران.
- تفضلی، احمد. (۱۳۸۹). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. تهران: سخن.
- ثعالبی. (1900) = Tha'alibi
- چرتی، کارلو. ج. (۱۳۹۵). ادبیات پهلوی. ترجمه پاتنه آتیا، طهران، فرزاد روز.
- دادستان دینی. (۱۳۹۷). ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دستنویس ت د ۲، بندهش ایرانی. (۲۵۳۷). روایات امید اشاویشستان و جز آن. بخش نخست. به کوشش دکتر ماهیار نوایی، دکتر کیخسرو جاماسپ آسا، دکتر محمود طاووس. شیراز: موسسه آسیائی دانشگاه پهلوی.

مأخذ حمزه اصفهانی در روایت زردشتیان از آفرینش (سید محمد عبدی و تورج دریایی) ۲۳۳

دینکرد هفتم. (۱۳۸۹) ترجمه و آوانویسی محمدتقی راشد محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

روایت پهلوی. (۱۳۶۷). متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

زادسپریم. (۱۳۶۶). گزیده‌های زادسپریم، ترجمه و آوانویسی محمدتقی راشد محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سالاری شادی، علی. (۱۳۷۷). حمزه اصفهانی و سنی ملوک الارض و الانبیاء، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، آذر. صص ۲۲-۲۶.

طبری، ابی جعفر محمد بن جریر (۱۹۸۷) تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابولفضل ابراهیم، مصر: دارالمعارف.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، دار احیاء التراث العربی، بیروت. عبدی، سید محمد و دریایی، تورج. (۱۴۰۰). بررسی زمینه های ورود روایات التقاطی ایرانی-سامی به تاریخ ملی ایرانیان، دو فصلنامه تاریخ ادبیات، دوره ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۸۵/۲)، پاییز و زمستان. صص ۱۱۳-۱۳۰.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶) شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، ج ۸، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

_____ . (۱۳۸۴). شاهنامه، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا به شماره Add.21,103 مشهور به شاهنامه لندن، ایرج افشار، محمود امیدسالار، تهران، طایه.

فرنیغ دادگی. (۱۳۹۷). بندهش. ترجمه مهرداد بهار. تهران: توس.

فرنیغ دادگی. (۱۳۹۹). بندهش. آوانوشت، ترجمه، یادداشت ها بر پایه نسخه شماره ۱ تهمورس دینشاه (TD1)، پژوهش سعید عریان. تهران، برسم.

قرآن الکریم. (۱۴۲۵). مدینه المنوره، مجمع الملک فهد لطباعه المصحف الشریف.

قزوینی، محمد. (۱۳۶۳). بیست مقاله. به کوشش عباس اقبال و ابراهیم پورداود. (ج ۲). تهران: دنیای کتاب.

کریستین سن، آرتور امانوئل. (۱۳۶۸). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.

مجمل التواریخ و قصص. (۱۳۸۹). تصحیح ملک الشعراء بهار. تهران: اساطیر.

محفوظ، حسین علی. (۱۹۶۳). حمزه بن الحسن الاصفهانی: سیرته و آثاره و آراءه فی اللغة و التاریخ و البلدان، سومر المجلد التاسع عشر، الجزء ۱ و ۲: صص ۶۳-۹۵.

مسعودی (۱۹۳۸) التنبیه والاشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: مکتبه التاریخیه.
مسعودی. (1917) Macoudi =
مقدسی، مطهر بن طاهر. (۱۸۹۹) al-Maqdisi =
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۲۰۱۰) عبدالامیر مهنا، بیروت: شرکه الاعلمی للمطبوعات.

- Al-Biruni (1878), *al-Athar al-baqiya 'an al-qurun al-kahliya*, Chronologie orientalischer Volker von Alberuni, Dr, C, Eduard Sachau, Leipzig: F, A, Brockhaus.
- Al-Maqdisī (1899), *Muṭahhar ibn Ṭāhir Le livre de la création ET de l'histoire*, Clément Huart, Paris: Ernest.
- Anklesaria, Behramgore Tehmuras (1956). *Zand-Akasih, iranian or Greater Bundahish*, Bombay: Dastur Framroze A. Bode.
- Daryae Touraj (2013) "Marriage, Property and Conversion among the Zoroastrians: From Late Sasanian to Islamic Iran," *Journal of Persian ate Studies*, vol. 6, pp. 91-100.
- Franz Rosenthal (1968): *A History of Muslim Historiography*, Leiden, E. J. Brill.
- Hāmeen-Antilla, J (2018), *Khwādaynāmāg :The Middle Persian Book of kings*, Studies in Persian Cultural History (vole, 14), Boston, Leiden, Brill.
- Imprimerie Nationale.
Leroux.
- Mackenzie. David N. (1971). *A concise Pahlavi dictionary*, Oxford: Oxford University press.
- Macoudi (1917), *Les prairies d'or*, C Barbier de Meynard ET Pavet de courteille, Paris: Imprimerie Imperiale.
- Rubin, Zeev (2008), "Hamza al-Isfahani's sources for Sasanian history", *Jerusalem studies in Arabic and Islam* 35:27-58.
- Tha'ālibī (1900), *Abou Mansour Abd al-Malik ibn Muḥammad, Histoire des rois des Perses*, H, Zotenberg, Paris:
- West Edward William (1897). *The Bundahishn (Creation or Knowledge from the zand, from sacred books of the east, Volume 5: Pahlavi Text Part1*. Oxford: Oxford University Press.